

عوامل اجتماعی مرتبط با قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای ایران^۱

حسین محمدزاده^۲ * محمدرضا شادرو^۳ * جلال‌الدین رفیع‌فر^۴

چکیده

هدف از نگارش این مقاله تعیین عوامل مرتبط با قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای ایران بوده است. روش پژوهش از نوع پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جمعیت آماری پژوهش، کلیه مردان ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام را شامل می‌شود که نمونه‌ای با حجم ۸۰۰ نفر به شیوه احتمالی از آن انتخاب شده است. نتایج آزمون پژوهش نشان داد که میان عواملی چون نوع گویش‌های زبان کردی (اورامی، کلهری، سورانی و کرمانجی)، نوع مذهب (سنی، شیعه و یارسان)، رسانه مصرفی (تلویزیون)، احساس تبعیض (سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اقتصادی) با قوم‌گرایی فرهنگی مردم مناطق مذکور رابطه معناداری وجود دارد. اما محل پرورش فرد (شهر و روستا) با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه معناداری ندارد. اجرای عدالت و رفع نابرابری‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی، اهمیت دادن به عناصر فرهنگی قومی و تقویت برنامه‌های تلویزیونی در بخش قومی، می‌تواند آسیب‌های ناشی از قوم‌گرایی فرهنگی را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: قوم‌گرایی فرهنگی، احساس تبعیض، مذهب، گویش و کردهای ایران.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره سوم • تابستان ۱۳۹۱ • صص ۹۶-۷۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۰

- این مقاله بخشی از داده‌های رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی در دانشگاه علامه طباطبایی است.
- استادیار دانشگاه پیام نور، واحد کامیاران (نویسنده مسئول). hosin_mohammadzadeh@yahoo.com
- استادیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی. shadroum@yahoo.com
- استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران. jrafifar@ut.ac.ir

مقدمه

موضوع این مقاله قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای ایران و عوامل مرتبط با آن است. یک قوم عبارت است از: «یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عنصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منابع و مسئولیت» (اسمیت و هاچینسون، ۱۳۷۷: ۱۸۶). در این تعریف عناصر مهمی مثل سرزمین، خاطره، عناصر فرهنگی، تعهد و مسئولیت مستتر است. قوم‌گرایی به «دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند، اطلاق می‌شود» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۶۰).

قوم‌گرایی را بر اساس نوع خواست‌های قومی، مطالعات نظری و تجربی می‌توان به قوم‌گرایی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی تقسیم‌بندی کرد (اسمیت، ۱۳۸۳؛ حاجیانی، ۱۳۸۰؛ نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶). در قوم‌گرایی فرهنگی، افراد یک قوم، ضمن تلاش برای حفظ تمایز فرهنگ قومی، «در پی رسمیت بخشیدن به زبان، خط، لباس و آداب و رسوم خود هستند» (جلایی‌پور، ۱۳۷۲: ۲۰). دلایل این قوم‌گرایی به قول فنتون، اغلب «خارج از قومیت» قرار دارد (Fenton, 2004) و پیامدهای آن نیز دامنگیر دیگران خواهد شد. در واقع قوم‌گرایی و پیامدهای آن در دهه‌های اخیر مسبب مسائل و مشکلات مالی و انسانی چشمگیری در اقصی نقاط جهان بوده است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۶؛ ساییر، ۲۰۰۸: ۸؛ Bugajski, 1995: 1; Esman, 2004). متفکران، روند قوم‌گرایی در جهان را رو به رشد و بسیار با اهمیت قلمداد کرده‌اند. «با از میان رفتن نظام دو قطبی، جنگ‌های به و کالت از قدرت‌ها، جای خود را به مخاصماتی با ریشه‌های مذهبی یا قومی دادند» (ممتاز و رنجیریان، ۱۳۸۴: ۱۸). به تعبیر تافلر، «خیزش قومیت‌ها» یکی از ویژگی‌های آینده جهان است (تافلر، ۱۳۷۰: ۴۲۵).

تنوع قومی پدیده‌ای جهانی است و قوم‌گرایی و خواست‌ها و تنش‌های ناشی از آن نیز

جهانی محسوب می‌شود. خواست‌های فرهنگ‌های قومیتی همیشه از راه گفتگو قابل مصالحه نبوده و به علت قابل مذاکره نبودن، در نهایت به درگیری و خشونت انجامیده است. پس از خاتمه جنگ سرد، ۹۶ جنگ و مخاصمه در جهان روی داده است که ۹۱ مورد آن مربوط به جنگ‌های داخلی (قومی) بوده است. پیک می‌نویسد: در نتیجه این مخاصمات، نزدیک به ۲۰ میلیون نفر کشته شده‌اند که بیش از ۷۰ درصد قربانیان به جنگ‌های قومی اختصاص دارد (Peck, 1998: 25-29). به همین جهت مطالعات قومی^۱ برای کندوکاو در ابعاد این مسئله طی سال‌های اخیر رشد کمی و کیفی داشته است. در واقع هرچه از ابتدای قرن بیستم به پایان آن نزدیک می‌شویم، مباحث نژادی و قومیتی در بسیاری از متون نمود بارزتری پیدا می‌کند (اسمیت و هاجینسون، پیشین؛ احمدی، ۱۳۷۸؛ کوه شکاف، ۱۳۸۰: ۲۱۲؛ بالمر و سولوموز، ۱۳۸۱: ۱۴).

بنا به نظر برخی اندیشمندان، ایران جامعه‌ای چند قومی است که در حدود پنجاه درصد از شهروندان آن از اقوام غیر فارس هستند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۶؛ ماتیل، ۱۳۸۳: ۱۰۰۴؛ حاجیانی، پیشین: ۴۷۹). یکی از پایدارترین مسائل اجتماعی ایران در دوران معاصر کشور قوم‌گرایی این قومیت‌ها بوده است. «مسئله قومی در ایران جزء یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر به شمار می‌آید» (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

کردها یکی از اقوام ایرانی هستند که قوم‌گرایی در میان آنها فعال است (Remazanzadeh, 1994). گرچه این قوم در طول تاریخ از مدافعان سرزمین، مردم و فرهنگ ایران زمین بوده‌اند، اما در مقاطعی از تاریخ شاهد گرایش‌های خاص قومی (جنبش سمیتقو، جمهوری مهاباد ۱۳۲۴ و تقاضاهای قومی بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷) بوده‌ایم. جنبش قوم‌گرایی کرد در ایران از نظر قدمت و پایداری، از شاخص‌ترین جنبش‌های فعال قومی است (احمدی، پیشین). اهمیت این قضیه هنگامی بیشتر می‌شود که بدانیم «زمینه‌های چنین بحران‌هایی همچنان در جامعه ایران خودنمایی می‌کند» (عبداللهی و حسین‌بر، ۱۳۸۵: ۶). امان‌اللهی نیز معتقد است: «هر تعمیمی در مورد فرهنگ و جامعه ایران، بدون در نظر گرفتن اقوام رضایت‌بخش نخواهد بود. در کمال تعجب، دانش ما در مورد اقوام و گروه‌های قومی ایران هنوز ناکافی است» (Amanolahi, 2005).

در این رابطه پرسش‌های مهمی مطرح می‌شود: آیا قوم‌گرایی فرهنگی ناشی از عوامل

1. Ethnic studies

و عناصر قومی است یا نتیجه تبعیض و انحصار و یا اینکه ناشی از فناوری ارتباطی است؟ هدف این تحقیق، بررسی تأثیرات این عوامل بر قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای ایران است.

۱. مبانی نظری پژوهش

نظریه‌هایی که به توضیح و تبیین قوم‌گرایی می‌پردازند، متنوع، نوپا و در حال گسترش هستند. احمدی پارادایم‌های قومی را در دو دسته قدیمی‌گرایان و نوگرایان، اسمیت آنها در چهار پارادایم ازلی‌انگاری^۱، مدرنیستی^۲، نماد‌پردازی قومی^۳ و دیدگاه‌های جدیدتر فرهنگ‌گرا^۴ و اوزکریملی علاوه بر نظریه‌های فوق به نظریه‌های فمینیستی در ایجاد قوم‌گرایی اشاره دارد. مقصودی و صالحی امیری، مقوله‌های مختلفی را در قوم‌گرایی مؤثر می‌دانند (احمدی، ۱۳۷۸؛ اسمیت، ۱۳۸۳؛ اوزکریملی، ۱۳۸۳؛ مقصودی، ۱۳۸۰؛ صالحی امیری، ۱۳۸۵).

جیمز گودمن نظریه‌های قوم‌گرایی را در پنج گروه تقسیم‌بندی می‌کند: «نظریه‌های قومی - ملی که بر محتوی قومی ناسیونالیسم تأکید دارند، نظریه‌های مدرن‌سازی، نظریه‌های کشور محور، نظریه‌های طبقه محور و نظریه‌های توسعه ناموزون» (لوکاج، ۱۳۸۳: ۶۱۶). مالشوویچ در یک تقسیم‌بندی جدیدتر از هشت رویکرد نام می‌برد: «نظریه‌های کلاسیک، نومارکسیست، کارکردگرایی، کنش متقابل نمادی، انتخاب عقلانی، نظریه نخبگان، نظریه نووبری‌ها و رویکرد ضد بنیادگرایی» (Malešević, 2004). یکی از مهم‌ترین تقسیمات نظری برای توضیح مسائل قومی، وجود دو پارادایم قدیمی‌گرایان و نوگرایان است که در ادامه به اختصار به توضیح آنها پرداخته و پس از نیم‌نگاهی به نظریه‌های تلفیقی و چند عاملی، چارچوب نظری تحقیق بیان می‌شود.

۱-۱. پارادایم قدیمی (ازلی)‌گرایی

این پارادایم مشتمل بر رویکردهای متنوعی است که از عوامل زیستی تا فرهنگی را در

-
1. Primordialism
 2. Modernist
 3. Ethno symbolism
 4. Culturalist

برمی‌گیرد. از قدیمی‌گرایانی که به نقش عوامل ژنی و زیستی در قوم‌گرایی معتقدند، پیر وان دن برگه^۱ و از فرهنگ‌گرایان، ادوارد شیلز^۲ و کلیفورد گیزرتز^۳ را می‌توان نام برد. هردو دیدگاه در این باور مشترک هستند که قومیت و ناسیونالیسم پدیده‌ای قدیمی و دیرینه بوده و فرد، حس همبستگی و عاطفی نسبت به آن دارد. ازلای گرایایی به مفهومی از قومیت و ملیت اشاره دارد که بر ویژگی واقعی، پایدار و بنیادهای گروهی تأکید دارد. تعلقات خاطر ازلای گرایایی نظیر زبان، نژاد، قرابت، مذهب، سرزمین و سنت از نظر بنیادی و روان‌شناسی غلبه‌ناپذیر تلقی می‌شود» (ماتیل، ۱۳۸۳: ۹۴۵). ازلای گرایایی غیر از رویکرد پیوستگی و انقطاع تاریخی قومیت، از نظر نوع هم دیگرگونه است: در واقع «رهیافت ازلای انگاری قومی، به سه رویکرد طبیعت‌گرا، زیست‌شناختی اجتماعی و فرهنگ‌محور تقسیم می‌شود» (اوز کریملی، پیشین: ۸۵).

رویکرد طبیعت‌گرا، مدعی است که هویت‌های قومی، جزئی از طبیعت آدمی و مانند یکی از حس‌های طبیعی موجود در بدن است. رویکرد زیست‌شناختی اجتماعی بر این فرض استوار است که موجود زنده چیزی نیست جز دی. ان. ای.^۴ این دیدگاه «نوع‌دوستی» در میان بعضی از گونه‌های اجتماعی حیوانات را در این رابطه مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس آن «نوع‌دوستی رفتاری است که به قدرتمند شدن» موفقیت تناسلی دیگران «به بهای کاهش قدرت و حتی فنای زندگی موجود نوع‌دوست، عملی است» (ماتیل، پیشین: ۱۲۰۲). یکی از متفکرین رویکرد زیست‌شناختی اجتماعی در حوزه قومیت، پیر وان دن برگه است. وی چنین استدلال می‌کند که قومیت، نژادپرستی و گاه ناسیونالیسم در ژن ریشه دارد و با فرهنگ شکل گرفته و تغییر شکل می‌دهد. «انسان‌ها از نظر برخی ویژگی‌های زیست‌شناختی با دیگر حیوانات مشترک هستند و قومیت ادامه خویشاوندی است» (همان). دن برگه از آنجا که می‌داند همه رفتارهای اجتماعی را با ژن نمی‌توان توضیح داد، از دو عامل دیگر که در تعامل اجتماعی نقش دارند نام می‌برد. یکی از این عوامل، اجبار و دیگری مبادله است. در اجبار، رابطه یک‌سویه است اما در معامله، رابطه دو سویه بوده و هر دو طرف سود می‌برند (همان).

1. Pirre van den Berghe
2. Edward Shills
3. Glifford Geertz
4. DNA

متفکران رویکرد فرهنگی قوم‌گرایی، ادوارد شیلز و کلیفورد گیرتز هستند. «گیرتز از تعلقات قومی بر قرابت خونی، زبانی، دینی و برخی رویه‌های خاص اجتماعی تأکید دارد» (اوز کریملی، پیشین: ۹۵). شیلز بر این باور است که «هویت ملی ریشه‌های عمیقی در باورهای مذهبی و شیوه‌های قومی دارد که از روزگار کهن وجود داشته است. «توجه اصلی اینها بر پیوندهای عاطفی بسیار درونی است که از طریق اجتماعی شدن برقرار می‌شود و افراد را به خویشان و اجتماع متصل می‌سازد» (اسمیت و وست، ۱۳۸۳: ۶۹۳). در این دیدگاه برداشت و اعتقاد نظری افراد مهم انگاشته می‌شود. «ازلی گرایان متعلق به حوزه فرهنگ پژوهی به اصیلت قلمرو زندگی، خویشاوندی، رسوم، سنن، زبان و مذهب در استحکام ایدئولوژی ناسیونالیستی عطف توجه دارند» (همان).

۲-۱. پارادایم نوگرایی

در حالی که قدیمی‌گرایان متوجه عناصر فرهنگی قومی هستند، پارادایم نوگرایی متوجه علل سیاسی شدن عناصر فرهنگی قومیت در دوران مدرن است. بعضی از متفکرین این پارادایم، یک عامل و بعضی چند عامل را در سیاسی شدن قوم‌گرایی مؤثر می‌دانند. در ادامه به اختصار هر کدام از این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها را توضیح خواهیم داد.

۱-۲-۱. نظریه‌های سیاسی

از نظریه‌های سیاسی قوم‌گرایی می‌توان به نظریه گرهارد لسنسکی، فرانک پارکین، میلتنون ایسمن و آیرات آکلانف اشاره کرد. این نظریه‌ها نقش قدرت و امتیازات ناشی از آن و در مقابل نقش بی‌قدرتی و عوارض ناشی از آن را در قوم‌گرایی مؤثر می‌دانند. این متفکران عامل قدرت را گاه به نقش دولت، گاه ایدئولوژی و گاه به جغرافیای سیاسی پیوند می‌زنند. لسنسکی در این رابطه بر نقش قدرت دولت و امتیاز ناشی از آن تأکید دارد. از نظر او، «قدرت باعث دسترسی به امتیازات مادی می‌شود و این امتیازات مادی در نهایت باعث حیثیت برای گروه صاحب قدرت می‌شود» (گرب، ۱۳۸۱: ۱۶۶). قوم‌گرایی در گروه قومی که از این قدرت محروم است، تقویت می‌شود. پارکین هم نقش نابرابری را در قوم‌گرایی برجسته می‌بیند. وی این نابرابری را ناشی از قدرت می‌پندارد و معتقد است: بعضی از گروه‌ها به واسطه قدرت، دیگر گروه‌ها را از دستیابی به منابع و فرصت‌ها محروم می‌سازد و

این محرومیت می‌تواند به‌عنوان عاملی برای قوم‌گرایی عمل کند. ایسمن نیز نقش دولت را به‌عنوان متغیر زمینه‌ای در ایجاد نابرابری اقتصادی جدی می‌پندارد. از نظر وی، انقباض یا انبساط اقتصادی در شدت و ضعف قوم‌گرایی تأثیر دارد و در اختیار دولت است. دولت تعیین‌کننده ارزش‌هاست و آموزش، استخدام و گزینش در اختیار اوست (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۹۶؛ Esman, 2004: 447; Montiwille, 1990). از نظر آیرات آکلانف، قوم‌گرایی ناشی از تغییرات دوره‌گذار است و گروه‌های (قومی) که در جریان گذار، قدرت خود را از دست می‌دهند، تلاش می‌کنند آن را بازستانند (همان).

۲-۱. نظریه‌های اجتماعی

در گروه نظریه‌های اجتماعی می‌توان به نظریه شکاف اجتماعی استین روکان، رقابت بر سر منابع و نظریه گوبوگلو اشاره داشت. استین روکان قوم‌گرایی را ناشی از تغییرات خاص تاریخی و شکاف‌های اجتماعی می‌پندارد. او علت شکاف قومی را از پیامدهایی انقلاب صنعتی و سیاسی پنداشته و معتقد است: این تغییرات باعث می‌شود «یک گروه زبانی بر گروه دیگر و یک گروه دارا بر یک گروه ندار غالب شوند» (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۵). دیگر نظریه‌پردازان، قوم‌گرایی را ناشی از رقابت بر سر منابع، از جمله مشاغل دولتی می‌دانند. در واقع در چنین حالتی بعضی از گروه‌های قومی با تکیه بر علایق گروهی می‌خواهند به امتیازاتی برسند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۵). از نظر گوبوگلو، قوم‌گرایی ریشه در دسته‌بندی‌های اجتماعی و غضب اجتماعی موقعیت‌ها دارد. «غضب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز توسط یک گروه باعث ایجاد قوم‌گرایی در دیگر گروه‌ها می‌شود» (صالحی امیری، پیشین: ۸۶).

۳-۱. نظریه‌های اقتصادی

از مهم‌ترین این نظریه‌ها می‌توان به نظریه استعمار داخلی مایکل هچتر، رقابت منتشر هانان، نظریه انتخاب عقلانی و توسعه نامتوازن تام نیرن اشاره کرد. هچتر مفهوم استعمار داخلی لنین را برای واحدهای قومی در درون کشور به کار می‌گیرد. «وی نابرابری اقتصادی میان گروه‌های قومی را ناشی از یک تقسیم کار فرهنگی می‌داند» (Ramazanadeh, 1994: 72). در این تقسیم کار فرهنگی، کارها بر اساس مؤلفه‌های قومی تقسیم شده که در نتیجه آن،

آگاهی و اتحاد میان گروه‌های قومی که در کارهای کم‌امتیاز مشغول به کار هستند، تقویت می‌شود. هانان معتقد است: «در جریان رقابت اقتصادی، بعضی از گروه‌های قومی در مقایسه با دیگران کم آورده و این امر باعث همبستگی در میان آنان می‌شود» (اصغری فرد، ۱۳۷۵: ۴۳). از نظر تام نیرن قوم‌گرایی ناشی از توسعه نامتوازن بر اساس جغرافیایی قومی است (اوز کریملی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). «نظریه توسعه نامتوازن معطوف به عواملی مثل شرایط طبیعی و جغرافیایی، جمعیتی، ساختار برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها و سیر و جهت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است که برای برخی مناطق کشور، توسعه اقتصادی و برای تعدادی دیگر از مناطق، عدم توسعه را به همراه می‌آورد» (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

۴-۲-۱. نظریه‌های فرهنگی

بر اساس نظریه‌های فرهنگی، قوم‌گرایی ناشی از عناصر ذهنی و فرهنگی است. از نظریه‌های این مجموعه می‌توان به نظریه ارنست گلنر، بندیکت اندرسون و آنتونی اسمیت اشاره کرد. گلنر اعتقاد دارد که ملت یک پدیده پیشینی نیست، بلکه وجودی است که به تدریج باید آن را بنیاد نهاد. این امر بدان معنا است که نقش ذهنیت و ایدئولوژی در ناسیونالیسم برجسته و جدی است. گلنر معتقد است: جوامع دارای ادبیات کشاورزی ماقبل مدرن، جایی برای ناسیونالیسم ندارند. از نظر وی، فرهنگ جدید و دولت جدید وابستگی متقابلی دارند و وجود یکی وابسته به دیگری است. «فرهنگ مرکزی نیاز به یک دولت مرکزی برای نهادینه شدن دارد و دولت مدرن نیز به یک فرهنگ معین برای استحکام بخشیدن به بنیادهایش، وابسته است» (وریا، ۲۰۰۶: ۴۳-۴۴). از آنجا که فرهنگ مرکزی، در تضاد با فرهنگ‌های حاشیه‌ای قرار می‌گیرد، گروه‌های پیرامونی به این فرهنگ مرکزی واکنش نشان می‌دهند. در چنین حالتی زبان و مذهب دولت مرکزی حالت رسمی پیدا می‌کند و میراث فرهنگی کسانی که نمی‌خواهند پیرو و تابع فرهنگ مرکزی باشند، نادیده گرفته و آنها را به حد شهروند درجه دوم تنزل می‌دهد.

اندرسون بر این باور است که ملیت و ناسیونالیسم مصنوعات فرهنگی از نوع خاص هستند (Anderson, 1991: 4). از نظر وی، کاهش نفوذ مذهب و سنن پادشاهی از یک سو و افزایش سرمایه‌داری چاپ^۱ از سوی دیگر، پیش‌زمینه‌های ناسیونالیسم قومی را فراهم

1. Print Capitalism

می‌کنند. اندرسون در این رابطه بر سرمایه‌داری چاپ تأکید دارد و این سرمایه‌داری چاپ، رادیو و روزنامه و دیگر رسانه‌ها را در برمی‌گیرد. این وسایل ارتباطی از یک زبان استفاده می‌کنند و این زبان واحد باعث می‌شود که ذهنیت افراد شکل واحدی نسبت به یک مسئله به خود گیرد. همین ذهنیت باعث می‌شود که رفتار افراد استفاده‌کننده از این رسانه‌ها به هم نزدیک شود. به عقیده اندرسون، «پیدایش فناوری ارتباطی شالوده آگاهی ملی است» (اسمیت و وست، ۱۳۸۳: ۶۹۵).

اسمیت بر این باور است که قوم‌گرایی از راه سیاسی کردن عناصر فرهنگ قومی به انجام می‌رسد. از نظر او، ناسیونالیسم قومی یک خصلت مهم ذهنی دارد و این ذهنیت، عوامل قومی را که خصلتی نمادین دارند و مناسب سیاسی کردن هستند، برمی‌گزینند. بهره‌گیری از عناصر فرهنگ قومی برای قوم‌گرایی دلبخواهی نیست و قوم‌گرایان نمی‌توانند به هر سستی معنا ببخشند، بلکه این نمادها از عناصری نشئت می‌گیرند که مردم آنها را بازشناخته و به آنها اعتماد کنند (Smith, 1986, 1998, 2001).

۵-۲-۱. نظریه‌های چند عاملی

در این رویکردها به جای تکیه بر یک عامل، بر مجموعه‌ای از عوامل تکیه می‌شود. اسملسر^۱ و ابرس چال^۲ قوم‌گرایی را نوعی رفتار جمعی می‌پندارند که ناشی از مجموعه عوامل مثل شرایط ساختی، محرومیت عینی اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی ناشی از شرایط ساختی، آگاهی از احساس محرومیت، تبلور یک ایدئولوژی و عوامل شتاب‌زا است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۸۶). در نظریه چند عاملی روتچیلد و شاپفلین^۳ مجموعه‌ای از عوامل ذهنی و عینی در قوم‌گرایی نقش دارند. عوامل ذهنی مشتمل بر متغیرهای روان‌شناختی، ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی است و عوامل عینی مرتبط با عناصر اقتصادی و اجتماعی است. نظریه محرومیت نسبی تد رابرتگر، بر برداشت ذهنی از محرومیت تأکید دارد. این برداشت ذهنی بازیگران، ناشی از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی آنها تعریف می‌شود. «انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی هستند که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که آنها فکر

1. Smelser

2. Obers Chall

3. Rotchild & Shapflin

می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آنها را دارند. به بیان دیگر تفاوت بین آنچه مستحق هستیم و آنچه عملاً می‌توانیم کسب کنیم» (گر، ۱۳۷۶: ۵۴-۵۳).

در جمع‌بندی این نظریه‌ها می‌توان گفت که قدیمی‌گرایان عوامل جدید و تغییرات اجتماعی را در نظر نمی‌گیرند و نوگرایان به زمینه‌های قدیمی و فرهنگی توجه چندانی ندارند. به نظر می‌رسد، برای بررسی قوم‌گرایی باید چارچوب نظری جدید تلفیقی در نظر گرفت که از سویی به زمینه‌های و تنوعات فرهنگی توجه داشته و از دگر سو، متوجه نقش نبرابری‌های مختلف و در عین حال عوامل آگاهی بخش باشد.

۲. چارچوب نظری تحقیق

شواهد متعدد حاکی از آن است که قوم‌گرایی پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و تاریخی است و در شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی و تاریخی به شکل‌های مختلف نمایان می‌شود. «قومیت یک پدیده تاریخی تحول‌پذیر است که با عوامل چندی در ارتباط است» (Giles, 1997: 16). در این تحقیق یک چارچوب چند عاملی برای قوم‌گرایی در نظر گرفته شده که در برگیرنده عوامل تفکیک، عوامل تبعیض و عوامل آگاهی بخش است. از مهم‌ترین عوامل تفکیک می‌توان از زبان و مذهب قومی، از عوامل تبعیض می‌توان احساس تبعیض (سیاسی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی) و از عوامل آگاهی بخش می‌توان به نقش رسانه مصرفی (تلویزیون ماهواره‌ای) اشاره کرد. این چارچوب از سویی در برگیرنده عوامل ازلی (قدیمی) و مدرن قوم‌گرایی بوده و از دگر سو، عوامل مهم ذهنی و عینی را به‌طور همزمان مد نظر دارد. بر پایه این چارچوب نظری، هفت فرضیه تدوین شده و در تحقیق خود به آزمون آنها پرداخته‌ایم.

۳. فرضیه‌های تحقیق

۱. بین نوع گویش فرد (کرمانجی، سورانی، اورامی و کلهری) با میزان قوم‌گرایی فرهنگی رابطه وجود دارد.
۲. بین نوع مذهب فرد (سنی، شیعه و یارسان) با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه وجود دارد.
۳. بین محل پرورش فرد (شهر و روستا) با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه وجود دارد.

۴. بین نوع رسانه مصرفی فرد (تلویزیون) با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان احساس تبعیض سیاسی در فرد و میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه وجود دارد.
۶. بین میزان احساس تبعیض فرهنگی در فرد و میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه وجود دارد.
۷. بین میزان احساس تبعیض اجتماعی-اقتصادی در فرد و میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه وجود دارد.

۴. تعریف متغیرها

- قوم‌گرایی فرهنگی: قوم‌گرایی فرهنگی عبارت است از: احساس، علاقه، تعهد، تفکر، رفتار و تلاش برای حفظ تمایز قومی و مطالبات قومی در حوزه فرهنگی. برای سنجش قوم‌گرایی فرهنگی شاخص‌های زیر در نظر گرفته شده است: پوشیدن لباس کردی، گذاشتن نام کردی بر فرزندان، افتخار به قوم کرد، افتخار به مشاهیر قوم کرد، خواست تدریس زبان کردی در مدارس منطقه (در کنار زبان فارسی) و صحبت کردن با فرزندان به زبان کردی (در خانه). میزان قوم‌گرایی فرهنگی با استفاده از شش گویه (طیف لیکرت) و بر اساس ویژگی‌های فوق سنجیده می‌شود. سطح سنجش این متغیر رتبه‌ای بوده و در نهایت، پاسخگویان در یکی از سه طبقه قوم‌گرایی فرهنگی کم، متوسط و زیاد قرار گرفته‌اند.

- احساس تبعیض سیاسی: «منظور از تبعیض سیاسی این است که اعضای گروه قومی به شکلی نظام‌مند از برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های سیاسی، در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه، محدود بوده و یا هستند» (گر، ۱۳۸۱: ۴۰۶). برای متغیر احساس تبعیض سیاسی پنج شاخص زیر در نظر گرفته شده است: احساس تقسیم ناعادلانه پست‌ها در مناطق قومی، باور به انسداد گردش نخبگان قومی، باور به عدم اعتماد یکسان دولت به اقوام، احساس وجود مانع قانونی در قبال خواست‌های قومی و احساس گزینش نایکسان برای اعضای قومی در آموزش و استخدام. میزان احساس تبعیض سیاسی با استفاده از پنج گویه (طیف لیکرت) و بر اساس ویژگی‌های فوق سنجیده می‌شود. سطح سنجش این متغیر رتبه‌ای بوده و در نهایت پاسخگویان در یکی از سه طبقه احساس تبعیض سیاسی کم،

متوسط و زیاد قرار گرفته‌اند.

- احساس تبعیض اقتصادی و اجتماعی: «گروه‌ها در جایی هدف تبعیض اقتصادی - اجتماعی هستند که اعضای آنها به صورت نظام‌مند از دسترسی به شرایط و موقعیت‌های اجتماعی برابر و کالاهای اقتصادی مطلوب که برای سایر گروه‌های موجود در جامعه آزاد و باز است، دور نگه داشته شده و جلوگیری شوند» (همان: ۴۰۲). برای متغیر میزان احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی پنج شاخص در نظر گرفته شده است؛ احساس میزان بیکاری بیشتر در منطقه، احساس تبعیض در سرمایه‌گذاری صنعتی در منطقه قومی، باور به امکانات آموزشی ناکافی در منطقه، باور به سرمایه‌گذاری کم در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر نقاط کشور و احساس برخورداری از امکانات کمتر بهداشتی و درمانی در منطقه. میزان احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی با استفاده از پنج گویه (طیف لیکرت) و بر اساس ویژگی‌های فوق‌سنجیده می‌شود. سطح سنجش این متغیر رتبه‌ای بوده و در نهایت، پاسخگویان در یکی از سه طبقه احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی کم، متوسط و زیاد قرار گرفته‌اند.

- احساس تبعیض فرهنگی: «منظور از تبعیض فرهنگی این است که اعضای گروه قومی به شکلی نظام‌مند از برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های فرهنگی، در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه، محدود بوده و یا هستند» (همان: ۳۲۶). برای متغیر احساس تبعیض فرهنگی پنج شاخص به شرح زیر در نظر گرفته شده است: احساس ممانعت از تدریس زبان کردی، احساس وجود مانع اداری به خاطر داشتن مذهبی خاص، احساس نارضایتی از پخش برنامه‌های قومی صدا و سیما، احساس میزان پایین نشر به زبان قومی و احساس عدم آزادی در نام‌گذاری کودکان. این احساس با استفاده از پنج گویه (طیف لیکرت) و بر اساس ویژگی‌های فوق‌سنجیده می‌شود. سطح سنجش این متغیر رتبه‌ای بوده و در نهایت، پاسخگویان در یکی از سه طبقه احساس تبعیض فرهنگی کم، متوسط و زیاد قرار گرفته‌اند.

- دین: «دین، پاسخ‌های متنوع انسان به واقعیت متعالی است» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸: ۲۴۰). دین در واقع به معنای اعتقاد به یک امر قدسی است. به مکتب‌های فکری درون دین، مذهب گفته می‌شود. سطح سنجش این متغیر اسمی بوده و با یک سؤال نوع مذهب فرد مشخص شده است. پاسخگویان از نظر مذهب پیرو سه مذهب تشیع، تسنن و یارسان

هستند.

- زبان: «زبان سیستمی از اصوات و نوشتار است که مردم خاص کشوری با آن صحبت می‌کنند» (Oxford Dictionary, 2004). «از نظر فنی، لهجه^۱ محدود به توصیف وجهی تلفظی است که مشخص می‌سازد متکلم متعلق به کدام ناحیه (مکانی یا اجتماعی) است. گویش^۲ عبارت است از: توصیف ویژگی‌های دستوری و واژگانی که وجوه تلفظی را هم در بر می‌گیرد» (Yule, 2006: 72). سطح سنجش این متغیر اسمی بوده و با یک پرسش از فرد نوع گویش او مشخص شده است. پاسخگویان از نظر گویش به چهار گویش کرمانجی، سورانی، اورامی و کلهر قابل تقسیم هستند.

- محل پرورش: منظور از محل پرورش فرد مکانی است که شخص بیشترین سال‌های زندگی خود را در آنجا سپری کرده است. در این تحقیق محل پرورش فرد شهر یا روستا در نظر گرفته شده است. این متغیر با یک پرسش سنجیده می‌شود.

- رسانه مصرفی: رسانه یک وسیله ارتباطی است که پیامی را از یک فرستنده به گیرنده می‌رساند. منظور از رسانه مصرفی، تلویزیون جمهوری اسلامی ایران و یا تلویزیون ماهواره قومی است. منظور از تلویزیون ماهواره‌ای قومی، رسانه‌ای است که به صورت غیر قانونی و به زبان قومی برنامه پخش می‌کند. سطح سنجش این متغیر اسمی بوده و با یک پرسش از فرد مشخص شده است که به کدام کانال ماهواره‌ای بیشتر نگاه می‌کند.

۵. روش تحقیق

روش پژوهش، پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از تکنیک پرسشنامه رویارو^۳ جمع‌آوری شده است. واحد تحلیل آن فرد و سطح تحلیل آن خرد است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه، از اعتبار صوری^۴ و اعتبار محتوی^۵ و برای سنجش پایایی از آزمون آلفای کرونباخ^۶ استفاده شد. ضریب آلفای کل برای متغیرهایی مستقل و وابسته، بالای ۷۵ درصد به دست آمد که

1. Accent
2. Dialect
3. Face to face
4. Face validity
5. Content validity
6. Cronbach Alpha

ضریب قابل قبولی برای سنجش پایایی پرسشنامه محسوب می‌شود.

جمعیت آماری شامل کلیه مردان ساکن مناطق کردنشین ایران است که در زمان تحقیق بین ۱۸ تا ۶۵ سال سن داشته‌اند. جمعیت آماری این مناطق ۶۷۳۸۷۸۷ نفر است که با حذف زنان، اقوام دیگر و جمعیت بالای ۱۸ سال و کمتر از ۶۵ سال، این عدد به ۱۸۰۰۰۰۰ نفر کاهش یافته است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه معادل ۳۸۶ نفر به دست آمد. آشکار است که فرمول کوکران برای نمونه‌گیری تصادفی و جمعیت‌های همگن کاربرد دارد. لذا برای رفع این مشکل از تکنیک طراحی اثر^۱ استفاده شد و پس از ضرب حجم نمونه حاصل از فرمول کوکران در عدد ۲ و گرد کردن آن، حجم نهایی نمونه ۸۰۰ نفر تعیین شد. بر اساس ملاحظات نظری، در عمل، مقدار هر خرده‌گروه را ۱۰۰ نفر انتخاب کردیم. به نظر دواس، «در عمل مسئله تعیین‌کننده اصلی در تصمیم‌گیری درباره حجم نمونه بررسی جداگانه خرده‌گروه‌های مختلف است، بنا بر قاعده تجربی باید کاری کرد که کوچک‌ترین خرده‌گروه حداقل دارای ۵۰ تا ۱۰۰ مورد باشد» (دواس، ۱۳۸۱: ۸۰). شیوه نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود و برای انتخاب نمونه‌ها به شیوه زیر عمل شده است:

۱. با استفاده از نظر کارشناسان و اهداف تحقیق، هشت شهر (ارومیه، مهاباد، سنندج، پاوه، سرپل ذهاب، کرمانشاه، قروه و ایلام) به شیوه نمونه‌گیری نظری^۲ انتخاب شد. انتخاب در حدود ۶۰ درصد نمونه‌ها از شهر و ۴۰ درصد از روستا، با توجه به تناسب تقریبی جمعیتی در جامعه مورد مطالعه بوده است.
۲. برای انتخاب نمونه‌های شهری براساس نقشه درمانگاه‌های شهری، دو تا سه درمانگاه در هر شهر انتخاب شده است. با توجه به وجود شماره اختصاصی خانوار در هر مرکز بهداشتی، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده، سرخوشه^۳ از میان خانوارهای وابسته به درمانگاه انتخاب شد. در محدوده هر مرکز بهداشتی دو یا سه خوشه ۱۰ تایی انتخاب شد است که جمعاً در هر شهر ۶۰ نفر انتخاب و

1. Design effect

2. Theoretical sampling

۳. اولین خانه‌ای که برای نمونه‌گیری انتخاب می‌شود، سرخوشه نام دارد. بعد از انتخاب سرخوشه، خانه‌های بعدی را بدین شیوه انتخاب کرده‌ایم که بعد از جا گذاشتن هر سه خانه، خانه چهارم برای نمونه انتخاب شده است. این فرایند ادامه داشته تا خوشه ۱۰ تایی تکمیل شده است. در روستاهای انتخابی هم طبق همین منوال عمل شده است.

در نمونه وارد شده‌اند.

۳. برای انتخاب روستاهای شهرهای منتخب، با توجه به وجود اسامی روستاهای هر شهر، اسم روستاها را شماره‌گذاری کرده و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده، روستا یا روستاها هر شهر نیز انتخاب شده است. در ادامه کار با گرفتن شماره خانوار از مراکز بهداشتی و انتخاب سرخوشه‌ها، نمونه‌های روستایی به صورت خوشه‌ای تکمیل شده است.

۶. یافته‌های تحقیق

۶-۱. یافته‌های توصیفی

درصد گویش پاسخگویان سورانی، کرمانجی، اورامی و کلهری به ترتیب ۳۹/۵، ۱۲/۸، ۱۳/۱ و ۳۴/۶ بوده است. ۵۰/۵ درصد از پاسخگویان پیرو مذهب تسنن و ۳۷ درصد پیرو مذهب تشیع و ۱۲/۵ درصد پیرو مذهب یارسان بوده‌اند. محل پرورش ۶۳/۱ درصد از پاسخگویان در شهر و ۳۶/۹ درصد در روستا بوده است. حدود ۴۷ درصد از پاسخگویان بیننده سیمای جمهوری اسلامی ایران، در حدود ۳۸ درصد بیننده تصاویر ماهواره‌های کردی و در حدود ۱۲ درصد بیننده ماهواره‌های فارسی زبان برون مرزی بودند.

نتایج تحلیل یک متغیره نشان داد که در بین افراد نمونه، میزان قوم‌گرایی فرهنگی زیاد، متوسط و کم به ترتیب ۷۴/۴ درصد، ۲۳/۹ درصد و ۱/۸ درصد بوده است. میزان احساس تبعیض سیاسی زیاد، متوسط و کم در میان پاسخگویان به ترتیب ۶۵/۶ درصد، ۳۱/۲ درصد و ۳/۲ درصد و میزان احساس تبعیض فرهنگی زیاد در میان پاسخگویان در حدود ۵۷/۸ درصد، احساس تبعیض فرهنگی در حد متوسط در حدود ۴۰ درصد و احساس تبعیض فرهنگی کم در حدود ۲/۵ درصد بوده است. میزان احساس تبعیض اجتماعی-اقتصادی زیاد در میان پاسخگویان ۶۸/۷ درصد و احساس این نوع تبعیض در حد متوسط در حدود ۲۸/۳ درصد بوده است و تنها ۲/۹ درصد از پاسخگویان میزان تبعیض اجتماعی-اقتصادی را در حد کم احساس کرده‌اند.

۶-۲. یافته‌های تبیینی

نتایج آزمون فرضیه‌ها در دو جدول، و بر اساس سطح سنجش متغیرها، به اختصار نشان داده

شده است.

جدول ۱. رابطه نوع گویش، مذهب، محل پرورش و رسانه مصرفی با میزان قوم‌گرایی سیاسی

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	خی دو	معناداری	کرامر V
فرضیه ۱	نوع گویش	قوم‌گرایی فرهنگی	۶۶/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۲۰۶
فرضیه ۲	نوع مذهب	قوم‌گرایی فرهنگی	۹۴/۸۳	۰/۰۰۰	۰/۲۴۶
فرضیه ۳	محل پرورش	قوم‌گرایی فرهنگی	۳/۱۸۶	۰/۲۰۳	
فرضیه ۴	رسانه مصرفی	قوم‌گرایی فرهنگی	۶۴/۸۶	۰/۰۰۰	۰/۲۰۵

فرضیه ۱: آزمون خی دو نشان داد که نوع گویش فرد با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه معناداری داشته و ضریب کرامر نشان می‌دهد که شدت این رابطه ضعیف است و فرضیه صفر، مبتنی بر عدم وجود رابطه رد شد. این بدان معناست که قوم‌گرایی فرهنگی با نوع گویش زبان کردی در رابطه بوده و میزان آن در میان گویشوران سورانی، کرمانجی و اورامی بیشتر از کلهرهاست. این امر ممکن است ناشی از این امر باشد که گویش سورانی، گویش رسمی چاپ و نشر و رسانه در کردستان ایران است و کرمانجی همین نقش را در کردستان ترکیه دارد.

فرضیه ۲: آزمون خی دو نشان داد که نوع مذهب فرد با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه معناداری دارد، اما ضریب کرامر نشان می‌دهد که شدت این رابطه ضعیف است و فرضیه صفر در این مورد رد شد. این بدان معناست که نوع مذهب فرد با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او در ارتباط است و قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای سنی و یارسان بیشتر از کردهای پیرو مذهب تشیع است. این واقعیت با نتایج محققان دیگری همسو است که نقش مذهب را در قوم‌گرایی برجسته دیده‌اند (Entssar, 1992؛ Norbu, 2002؛ فکوهی، ۱۳۸۵).

فرضیه ۳: آزمون خی دو نشان داد که محل پرورش فرد با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه معناداری ندارد و فرضیه صفر اثبات شد. این بدان معناست که شهری و روستایی بودن فرد تأثیری بر میزان قوم‌گرایی فرهنگی او ندارد. این نتایج بر خلاف دیدگاه نظری گلنر است که قوم‌گرایی را خاص جوامع شهری می‌پندارد.

فرضیه ۴: آزمون خی دو نشان داد که نوع رسانه مصرفی فرد با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه معناداری دارد، اما باز هم ضریب کرامر نشان می‌دهد که شدت این رابطه ضعیف است، بنابراین فرضیه صفر رد شد. این بدان معناست که میزان قوم‌گرایی فرهنگی

کسانی که از ماهواره کردی بیشتر استفاده می‌کنند، بیشتر از میزان قوم‌گرایی سیاسی کسانی است که سیمای جمهوری اسلامی را تماشا می‌کنند. نتایج این پژوهش با نظرات و نتایج محققانی همسو است که بر این اساس، رسانه ارتباطی بر آگاهی و هویت قومی تأثیرگذار است (مقصودی، ۱۳۸۰؛ عبدالهی و حسین بر، ۱۳۸۵؛ فکوهی، ۱۳۸۵؛ حق پناه، ۱۳۸۱).

جدول ۲. رابطه میان احساس تبعیض سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بامیزان قوم‌گرایی فرهنگی

فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	R پیرسون	معناداری
فرضیه ۵	احساس تبعیض سیاسی	قوم‌گرایی فرهنگی	۰/۳۸۸	۰/۰۰۰
فرضیه ۶	احساس تبعیض فرهنگی	قوم‌گرایی فرهنگی	۰/۳۹۴	۰/۰۰۰
فرضیه ۷	احساس تبعیض اجتماعی	قوم‌گرایی فرهنگی	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰

فرضیه ۵: آزمون آماری همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میزان احساس تبعیض سیاسی فرد با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر مذکور مثبت و شدت آن متوسط است. این بدان معناست که هرچه میزان احساس تبعیض سیاسی در فرد بیشتر شود، میزان قوم‌گرایی فرهنگی در او افزایش می‌یابد. لذا فرضیه صفر را می‌توان رد کرد.

فرضیه ۶: آزمون آماری همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میزان احساس تبعیض فرهنگی در فرد با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر مذکور مثبت و شدت آن متوسط است. این بدان معناست که هرچه میزان احساس تبعیض فرهنگی در فرد بیشتر باشد، میزان قوم‌گرایی فرهنگی او نیز بیشتر است و لذا فرضیه صفر را می‌توان رد کرد.

فرضیه ۷: آزمون آماری همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میزان احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی در فرد با میزان قوم‌گرایی فرهنگی او رابطه دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر مذکور مثبت شدت آن متوسط است. این بدان معناست که هرچه میزان احساس تبعیض اجتماعی - اقتصادی در فرد بیشتر باشد، میزان قوم‌گرایی فرهنگی او نیز بیشتر است و لذا فرضیه صفر را می‌توان رد کرد.

۳-۶. تحلیل چند متغیره

برای تحلیل چند متغیره از رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شده است. با توجه به سطح سنجش متغیرها، تنها سه متغیر مستقل وارد معادله رگرسیون شد. بر اساس داده‌های جدول، معلوم شد که یکی از متغیرهای مستقلی که روی قوم‌گرایی فرهنگی اثر مستقل زیادی گذاشته و بیشترین مقدار از تغییرات آن را تبیین می‌کند، احساس تبعیض سیاسی است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیونی چندمتغیره در جدول زیر مشاهده می‌شود:

جدول ۳. ضرایب تحلیل رگرسیونی چند متغیره قوم‌گرایی فرهنگی

متغیر مستقل	ضریب F	ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار R^2 تجمعی
تبعیض فرهنگی	۱۴۳/۶۱۸	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰	۰/۱۵۹
تبعیض سیاسی	۸۲/۶۰۳	۰/۲۵۵	۰/۰۰۰	۰/۱۷۹
تبعیض اجتماعی-اقتصادی	۷۰/۱۵	۰/۱۱۶	۰/۰۰۰	۰/۲۲۱

بدین ترتیب این سه متغیر با هم در حدود ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. براساس نتایج جدول، نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره با نتایج حاصل از آزمون سه فرضیه تفاوت چندانی ندارد و رابطه میزان احساس تبعیض و میزان قوم‌گرایی فرهنگی تأیید می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق تعیین عوامل مرتبط با قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای بود. نتایج آزمون فرضیه‌ها مشخص ساخت که قوم‌گرایی فرهنگی هم با عوامل قدیمی (ازلی) مثل مذهب و گویش و هم با عوامل بیرونی مثل نوع تبعیض و رسانه مصرفی معنادار است. معناداری نوع مذهب بر قوم‌گرایی بدان معناست که مذهب عاملی مؤثر بر میزان قوم‌گرایی فرهنگی بوده، به نوعی که میزان آن در میان کردهای پیرو مذهب تسنن و یارسان بیش از پیروان مذهب تشیع بوده است. با توجه به جمعیت زیاد کردهای پیرو مذهب تشیع در ایران و میزان پایین قوم‌گرایی فرهنگی در میان آنان، می‌توان گفت که در واقع قوم‌گرایی کردی با یک گسست روبه‌رو است. در عین حال معناداری رابطه نوع گویش زبان کردی با میزان قوم‌گرایی فرهنگی بدان معناست که قوم‌گرایی فرهنگی در میان کسانی که با گویش کلهری صحبت می‌کنند، کمتر از کسانی است که با گویش سورانی، کرمانجی و اورامی

سخن می‌گویند. نکته جالب توجه این است که مذهب و گویش نه تنها بر میزان قوم‌گرایی، بلکه بر پیامد آن نیز تأثیرگذار بوده است. تجربه تاریخی مؤید همین دیدگاه است که پیامد قوم‌گرایی فرهنگی در میان استان‌های ایلام و کرمانشاه (منهای مناطق اورامی و پیروان آیین یارسان) و شهرهای قروه و بیجار در استان کردستان کمتر از دیگر مناطق بوده است. داده‌ها همچنین مشخص ساخت که میزان احساس تبعیض در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی در میان کردها بالاست و این احساس تبعیض با میزان قوم‌گرایی فرهنگی رابطه‌ای مستقیم و مثبت دارد. در این میان، میزان احساس تبعیض سیاسی بیشتر از میزان احساس تبعیض اقتصادی-اجتماعی و میزان احساس تبعیض فرهنگی از همه کمتر بوده است. در واقع احساس تبعیض سیاسی و فرهنگی بیش از احساس تبعیض اقتصادی-اجتماعی بر قوم‌گرایی مؤثر است. استفاده از رسانه قومی و تأثیر آن بر قوم‌گرایی فرهنگی بدان معناست که کنترل بخشی از رسانه‌های قومی خارج از کنترل دولت است و این رسانه‌ها در آینده همچنان تأثیرگذار خواهند بود. یکی از دستاوردهایی نظری این تحقیق، به چالش کشیدن دیدگاه‌های نخبه‌گرایانه در ایجاد قوم‌گرایی است، چراکه معتقدان این رویکرد، قوم‌گرایی را ناشی از نقش و ابتکار نخبگان می‌دانند. پرسش این است که اگر قوم‌گرایی ناشی از نقش نخبگان است و عوامل زمینه‌ای و فرهنگی در آن دخیل نیستند، چرا نخبگان قومی نتوانسته‌اند کردهای پیرو مذهب تشیع را بسیج کنند؟

تلاش برای اجرای عدالت و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای در زمینه اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، می‌تواند باعث کاهش احساس تبعیض در ابعاد مختلف گردد و در نهایت باعث کاهش میزان قوم‌گرایی فرهنگی شود. از جمله اقدامات عملی در این رابطه می‌توان به سرمایه‌گذاری بیشتر صنعتی، کشاورزی و خدماتی در مناطق قومی، توجه کردن و اهمیت بیشتر دادن به عناصر فرهنگ قومی و مشارکت بیشتر نخبگان قومی در فرایندهای قدرت اشاره کرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی؛ از افسانه تا واقعیت، تهران: نی.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۸). فصلنامه مطالعات راهبردی، ترجمه واحد ترجمه، پیش شماره اول، بهار.
- اسمیت، آنتونی و هاجینسون، جان (۱۳۸۶). ناسیونالیسم، ترجمه مصطفی یونسی و علی‌مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسمیت، آنتونی، دی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه منصور انصاری، تهران: نشر تمدن اسلامی.
- اسمیت، فیلیپ و وست، برد (۱۳۸۳). فرهنگ پژوهی، دایره‌المعارف ناسیونالیسم، زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، جلد دوم، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.
- اصغری‌فرد، اعظم‌السادات (۱۳۷۵). «بررسی تطبیقی شکل غالب در الگوی همبستگی‌های اجتماعی در میان قوام ایرانی (ترک و لر) و عوامل اجتماعی مؤثر بر این همبستگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی.
- اوزکریملی، اوموت (۱۳۸۳). نظریه‌های ناسیونالیسم، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ایوبی، حجت‌اله (۱۳۷۷). «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار.
- بالمرو، مارتین و سولوموز، جان، (۱۳۸۱). مطالعات قومی و نژادی، ترجمه پرویز دلیر پور و سید محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تافلر، الوین (۱۳۷۰). جابجایی قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نو.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). فراز و فرود جنبش کردی، تهران: انتشارات لوح فکر.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۲). کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰). «مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران» مسائل اجتماعی ایران، تهران: آگه.
- حق پناه، جعفر (۱۳۸۱). شبکه‌های استانی صدا و سیما و ثبات سیاسی و مناطق قومی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۱). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی دین؛ در باره موضوع، تهران: نی.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عبداللهی، محمد و محمدعثمان حسین‌بر (۱۳۸۵). «هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، زمستان.
- عبداللهی، محمد و امید قادرزاده (۱۳۸۸). «هویت جمعی غالب کردها در ایران و عراق»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶، بهار.

عزیزی، ستار (۱۳۸۵). حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همدان: انتشارات نور علم.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۵). «فرهنگ ملی، فرهنگ قومی-جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱.

کوه‌شکاف، ناهید (۱۳۸۰). بررسی جامعه‌شناختی روند توسعه اقتصادی اجتماعی کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، رشت: دانشگاه گیلان.

گر، تد رابرت (۱۳۸۱). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گرب، ادوارد، ج (۱۳۸۱). نابرابری اجتماعی (دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر)، ترجمه محمدرضا سیاهپوش و احمدرضا غروی‌نژاد، تهران: نشر معاصر.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلایی‌پور، تهران: طرح نو.

لوکاچ، مایکل (۱۳۸۳). سازمان‌های فراملی؛ دایره‌المعارف ناسیونالیسم، زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، جلد دوم، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.

ماتیل، الکساندر (۱۳۸۳). دایره‌المعارف ناسیونالیسم، زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: صاحب کوثر.

مک‌داول، دونالد (۱۳۸۳). تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانید.

ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران: نشر میزان.

نواح، عبدالرضا و سیدمجتبی تقوی‌نسب (۱۳۸۶). «تأثیرات محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی: مطالعه موردی اعراب خوزستان»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲، تابستان.

ب) منابع کردی

سایبر، ره فیق (۲۰۰۸). کولتور و ناسیونالیزم، کوردولوجی، سلیمانیه.

وریا، مه ریوان. (۲۰۰۶). ناسیونالیزم و سه فه ر، سلیمانی، ره نج.

ج) منابع لاتین

- Amanolahi, S. (2005). "A Note on Ethnicity and Ethnic Group in Iran", Iran & The Caucasus, Vol. 9.
- Anderson, B. (1991). Imagined Communities, Reflection on the origins spread of Nationalism, Verso.
- Bugajski, J. (1995). Ethnic politics in Eastern Europe, The center for strategic and international studies.
- Entessar, N. (1992). Kurdish Ethno Nationalism, Lynne Reiner publisher, United states.
- Esman. J. M (2004). An Introduction to Ethnic conflict, Polity Book.

- Fenton, S. (2004). "Beyond Ethnicity: The Global Comparative Analysis of ethnic conflict", *International Journal of Comparative Sociology*.
- Giles. H. (1997). *Language, Ethnicity and Intergroup Relations*: London, European association of experimental social psychology.
- Malešević, S. (2004). *the Sociology of Ethnicity*, Sage. London.
- Montwille, J. (1990). *Conflict and Peacemaking in Multiethnic Society*, Lexington Books, Masochist.
- Norbu, D. (2002). *Culture and Politics Of third World nationalism*, Rutledge, London.
- Peck, C. (1998). *Substantial Peace, The role of the UN and Regional organization in preventing conflict*, Rowman&Littlefield publisher.
- Remezanzadehh, A. (1994). *Ethnic Conflict In Iran. Acomparativestudy*, Department Politick Weten Schappam, K. U Leuven PhD thesis.
- Smith, A. D. (1986). *The Origins Of Nations*, Oxford Press.
- Smith, A. D. (1998). *Nationalism and Modernism*, London & New York, Rutledge.
- Smith, A. D. (2001). *Nationalism*. London, Polity Press.
- Vali, A. (2005). "The Kurds and Their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics", SAQE, London .
- Yule, G. (2006). *The Study of language*, Third edition, Cambridge university Press.

